

حساسیت بین فرهنگی در اجتماعات قومی در ایران؛ مورد مطالعه اقوام تُرک و کُرد در شهر قروه

امید قادرزاده (استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، نویسنده مسؤل)

o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

خالد عبدالله‌زاده (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان)

چکیده

وجود همفکری، همدلی و همگرایی فرهنگی و پذیرش اجتماعی در بین اقوام، یکی از مطمئن‌ترین راه‌های نیل به همبستگی و وفاق اجتماعی در جامعه‌ی چند قومی ایران به‌شمار می‌آید. این مقاله با اتخاذ رویکردی جامعه‌شناختی، به بررسی میزان حساسیت‌های بین فرهنگی در نزد ساکنان کُرد و تُرک شهر قروه و عوامل مرتبط با آن می‌پردازد. در بخش نظری، بر مبنای مدل نظری شش‌گانه‌ی حساسیت‌های بین فرهنگی میلتون جی بنت، یک چارچوب مفهومی تنظیم گردیده و در قالب آن فرضیه‌های اصلی مطرح شده‌است. تحقیق به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه در مورد ۴۰۰ نفر نمونه از کُردها و تُرک‌های ساکن در شهر قروه انجام گرفته‌است. نتایج تحقیق بر وجود حساسیت بین فرهنگی در میان دو گروه مورد بررسی دلالت دارد؛ با این وصف، حساسیت بین فرهنگی در میان کُردها شدت بیش‌تری دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با گسترش پهنه‌ی ارتباطات واقعی بین قومی و ارتباطات مجازی و بالا رفتن آگاهی و شناخت بین قومی، حساسیت‌های بین فرهنگی تعدیل و کاهش می‌یابد. در تحلیل نهایی، ارتباطات واقعی و مجازی، ۳۳ درصد و ۴۴ درصد از تغییرات حساسیت بین فرهنگی را به ترتیب در میان دو گروه تُرک و کُرد تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آشنایی بین فرهنگی، ارتباطات بین فرهنگی، تُرک‌ها، حساسیت‌های بین فرهنگی، کُردها.

مقدمه و طرح مسأله

نوشتار حاضر به بررسی حساسیت‌های بین فرهنگی^۱ در بین اجتماعات قومی کُرد زبان و تُرک زبان در شهر قروه می‌پردازد. با توجه به تأثیرات مهم فرهنگ بر زندگی انسان‌ها در چند دهه‌ی اخیر، فرهنگ به شدت مورد توجه‌ی جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان اجتماعی قرار گرفته‌است؛ به طوری که برخی از مهم‌ترین پدیده‌های فرهنگی در زمان ما با واکنش ما نسبت به تفسیر جهان به‌عنوان یک کل ارتباط دارد (رابرتسون ۱۳۸۵: ۸۳ و ۱۰۷). فرهنگ شامل عناصر متعددی از جمله آداب و رسوم و مذهب است و عنصر متمایزکننده‌ی افراد یک قوم از سایرین محسوب شده و به همین جهت، سبب ایجاد حساسیت میان دو گروه فرهنگی مختلف در تعامل با یکدیگر می‌شود (گرین هلنز^۲ به نقل از عاملی و مولایی ۱۳۸۸: ۲).

محوری‌ترین خصوصیت اندیشه‌ی انسان‌شناختی در مراحل تکوین اولیه‌ی آن در رابطه‌ی خلاصه می‌شود که میان دو مفهوم «خود» و «دیگری» در اندیشه و فرهنگ انسانی شکل گرفته‌است. انسان‌ها همواره بر آن بوده‌اند که «شباهت‌ها» و «تفاوت‌هایشان» را با سایر هم‌نوعان خود بشناسند و از طریق مقایسه‌ی خود با آن‌ها، جایگاه خود را در جهان اجتماعی مجسم کنند (فکوهی و آموسی ۱۳۸۸، ۵۰). به قول هانا آرنه، هر فردی از این امر آگاهی دارد که انسان‌ها و نه انسان بر گره‌ی زمین زندگی می‌کند؛ به عبارت دیگر، زندگی و حیات بشری به خودی خود امری جمعی و کثرت‌گرا است؛ یعنی کثرت‌گرایی محتوای اصلی حیات بشری را تشکیل می‌دهد. پس، فرآیند اجتماعی‌شدن فرد مساوی است با آگاهی او از وجود دیگری. هر آن‌جا که «من» ای مطرح باشد «دیگری» ای هم مطرح است. «دیگری» هر آن کس است که «غیر من» است؛ بنابراین، هر آن‌جا و هرگاه که موضوع «غیر من» مطرح باشد، مسأله‌ی تفاوت مطرح است و از آن‌جا که نگرش‌ها و غایت‌های زندگی با یکدیگر متفاوتند به همین جهت هیچگاه یک غایت در مقام حقیقت مطلق نمی‌تواند تعیین‌کننده‌ی سعادت بشری باشد (جهانبگلو ۱۳۸۶: ۳۶۳).

1- Intercultural Sensitivity
2- Greenholts

حساسیت بین فرهنگی به صورت توانایی به رسمیت شناختن دیدگاه‌های متعدد در مورد یک موضوع یا رفتار با هدف تصدیق ارزش‌های فرهنگی خود و دیگران، تعریف شده است (فولر^۱، ۲۰۰۷: ۳۲۱). تفاهم بین اعضای فرهنگ‌های متفاوت همیشه مهم بوده، اما هیچ وقت به اندازه‌ی قرن حاضر با اهمیت‌تر نبوده‌است. قبلاً تفاهم برای قدرت و حکومت یا داد و ستد ضرورت داشت، اما امروزه یک موضوع بقا برای بشر است (کیم و هوبارد^۲، ۲۰۰۷: ۲۲۳).

ارتباطات و حساسیت بین فرهنگی در مقام یک حوزه‌ی پژوهشی تا بعد از جنگ دوم جهانی در کانون توجه قرار نگرفت (رُگرس و استین فات^۳، ۱۹۹۰: ۵۹). در چند دهه‌ی اخیر، پژوهش‌های قابل توجهی در این حوزه به انجام رسیده‌است؛ به‌عنوان مثال، در جوامع متکثر به لحاظ فرهنگی نظیر جوامع اروپایی و آمریکایی در این فاصله‌ی زمانی مطالعات و تحقیقات زیادی به انجام رسیده‌است که در ذیل به اختصار بدان‌ها اشاره می‌شود:

کلک و مارتین^۴، در سال ۲۰۰۳ با استفاده از مدل حساسیت‌های بین فرهنگی، به بررسی و سنجش نگرش دانشجویان نسبت به تفاوت‌های فرهنگی و تأثیر تبادلات و تعاملات بین فرهنگی بر آن پرداخته‌اند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که برگزاری نشست‌ها و جلسات، به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی دانشجویان کمک می‌کند.

پورترفیلد بایلز^۵، در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی به بررسی حساسیت بین فرهنگی ۲۳۳ معلم ابتدایی در ۵ مدرسه‌ی دو زبانه در یکی از مناطق شهر تگزاس با استفاده از مدل توسعه‌ی حساسیت بین فرهنگی بنت پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در صورتی که معلمان امکان آشنایی با فرهنگ‌های متفاوت داشته باشند و از تفاوت‌ها در الگوهای فرهنگی از قبیل ارزش‌ها، عقاید و شیوه‌های ارتباط آگاه شوند، آن‌ها ممکن‌است تفاوت‌های فرهنگی

1- Fuller

2- Kim and Hubbard

3- Rogers and Steinfatt

4- Klak and Martin

5- Porterfield Bayles

دانش‌آموزان را به حداقل برسانند و ارزش‌ها و اصول و قواعد جهانی را در شیوه‌ی آموزشی‌اشان به‌کار ببرند.

یوئن و گروسمن^۱، در سال ۲۰۰۹ به تعیین و مقایسه‌ی سطوح حساسیت بین فرهنگی^۳ نمونه از معلمان کارآموز در هنگ‌کنگ، شانگهای و سنگاپور با استفاده از سنجه‌ی توسعه بین فرهنگی پرداخته‌اند. در این پژوهش ۳۱۷ نفر معلم کارآموز شرکت داشتند. نتایج تحقیق، مشکلات درک و تطبیق با تفاوت‌های فرهنگی را نشان می‌دهد.

المروث^۲ نیز در سال ۲۰۰۹ در سوئد به مطالعه و تحلیل نگرش دانش‌آموزان نسبت به تنوع قومی و جایگاه مدرسه در خلق و ابداع نگرش‌های مثبت پرداخته‌است. یافته‌ها حاکی از آن است که اکثریت دانش‌آموزان نگرش و برخورد مثبت را نسبت به جامعه‌ی چند فرهنگی می‌پذیرند. علاوه بر این، اکثر دانش‌آموزان موافق اتخاذ یک رویکرد فعال ضد نژادپرستی در مدرسه هستند. نتیجه‌ی دیگر این است که دانش‌آموزانی که نگرش منفی نسبت به فرهنگ‌های دیگر و یا نگرش تک فرهنگی دارند، به معلمانی نیاز دارند که مروج نگرش چندفرهنگی باشد.

حساسیت بین فرهنگی از جمله موضوعاتی است که در ایران در مقایسه با بسیاری از جوامع دیگر از لحاظ نظری و تجربی، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. با این حال، به تعدادی از منابع پژوهشی که با موضوع مورد بررسی مرتبط بوده، پرداخته می‌شود.

عاملی و مولایی (۱۳۸۸)، با روش پیمایشی و با توسل به دیدگاه نظری میلتنون بنت به بررسی حساسیت‌های بین فرهنگی اهل تشیع و ترکمن‌های اهل تسنن در استان گلستان پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که عامل مهم در کاهش حساسیت بین فرهنگی، توسعه‌ی ارتباطات می‌باشد؛ به این معنی که توسعه‌ی ارتباطات به‌عنوان پل انتقال از فضای «مطلق‌گرایی قومی» که همراه با عصبیت و دشمنی نسبت به دیگری است، به فضای «نسبیت‌گرایی قومی و فرهنگی» که منجر به کاهش عصبیت و فهم واقعی نسبت به دیگران است عمل می‌کند.

1- Yuen & Grossman
2- Elmeroth

نتایج حاصله از پژوهش شاقاسمی (۱۳۸۷) حاکی از آن دارد که آمیزش فرهنگی در شکل‌گیری هویت مشترک موثر است. همچنین داده‌های بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد ارتباطات بین گروهی مؤثر و هم‌سطح و ازدواج، راه حل‌های مناسبی برای حل مشکلات میان گروهی و میان قومی در کشوری مثل ایران می‌باشد.

بنابراین چه گفته شد، امروز در اغلب جوامع چند قومی، حساسیت بین فرهنگی، در زمره‌ی موضوعاتی به‌شمار می‌آید که به لحاظ نظری و تجربی، بسیار مورد توجه قرار گرفته‌است. مسأله‌ی حساسیت بین فرهنگی موضوع جدیدی نیست، ولی با توجه به اهمیت روزافزون آن در فرآیند هم‌گرایی ملی و تقویت هویت و همبستگی اجتماعی عام در هر جامعه، به‌ویژه در شرایط جهانی شدن، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌است. به‌عنوان مثال، جوامع اروپایی و آمریکایی که دارای تنوع فرهنگی زیادی می‌باشند سال‌هاست که به این موضوع اهمیت داده و مطالعات و تحقیقات فراوانی در مورد آن انجام داده‌اند و از نتایج تحقیقات مزبور در جهت مدیریت مسالمت‌آمیز تغییرات اجتماعی بهره گرفته‌اند.

وجود حساسیت‌های بین فرهنگی و تکوین سوگیری‌های شناختی و عملی در بین اقوام ایرانی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تضادهای قومی و در سطح بالاتر شکاف‌های قومی باشد که این امر، اقتدار ملی و هویت جمعی عام ایرانی را در سطح داخلی و خارجی تضعیف و متزلزل خواهد نمود. از هم‌گسیختگی‌های اجتماعی و حساسیت‌های بین فرهنگی منفی، ساخت قطبی را به‌همراه خواهد داشت؛ در چنین شرایطی است که ما به‌جای همفکری، همدلی و همیاری بین فرهنگی، با تضادها و تعارضات و ائتلاف پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های اقوام مواجه خواهیم شد.

اگر بپذیریم که امروزه انسجام اجتماعی و مدیریت مسالمت‌آمیز تغییرات اجتماعی مهم‌ترین مسأله‌ی پیش روی جامعه‌ی ایران است، باید گفت پی‌ریزی، تداوم و تحکیم نظم اجتماعی منوط به تکوین و تعمیم گستره‌ی همفکری، همدلی و همگامی در میان گروه‌ها و اجتماعات فرهنگی، قومی و زبانی می‌باشد (چلبی ۱۳۷۸، عبدالمهی ۱۳۸۳ به نقل از: قادرزاده ۱۳۸۸). شهر قروه در زمره‌ی مناطقی از ایران به‌شمار می‌رود که از دیرباز در آن، دو قوم کُرد و

تُرک در جوار هم به سر برده و نوعی هم‌زیستی و مناسبات و مراودات بین فرهنگی نیز در بین آنان شکل یافته‌است. بنابراین، این شهر بافت چند فرهنگی دارد. اقوام یاد شده، علاوه بر اشتراکات فرهنگی، هر یک دارای ویژگی‌های زبانی، محلی و فرهنگی خاص خود می‌باشند و در برهه‌هایی از زمان، تفاوت‌های بین قومی در بین آن‌ها برجسته گردیده و به خصومت نیز گراییده‌است.

بنابراین، با توجه به مندرجات فوق، مسأله‌ی اصلی نوشتار حاضر این است که وضعیت حساسیت بین فرهنگی در بین دو قوم کُرد و تُرک چگونه است؟ ارتباطات بین فرهنگی و ارتباطات مجازی چه تأثیری بر حساسیت بین فرهنگی برجای گذاشته است؟ به عبارت دیگر، آیا ارتباطات بین فرهنگی، کم‌رنگ شدن تفاوت‌های بین فرهنگی و تقویت نسبی گرایشی فرهنگی را در پی داشته است یا این که مرزهای تفاوت و قوم‌گرایی را برجسته ساخته است؟

مرور دیدگاه‌های نظری

مبانی نظری نوشتار حاضر، بر دو مفهوم ارتباطات بین فرهنگی و حساسیت بین فرهنگی استوار است که ابتدا مفهوم ارتباطات بین فرهنگی توضیح داده می‌شود و سپس، نظریه‌ی حساسیت‌های بین فرهنگی میلتون جی، بنت به عنوان چهارچوب اصلی نظری در جهت فرموله کردن مسأله‌ی اصلی تشریح می‌شود.

ارتباطات بین فرهنگی

ارتباط انسان‌ها، سنگ بنای جامعه‌ی انسانی است و بدون آن هرگز فرهنگ به عنوان خصیصه‌ی جامعه‌ی انسانی پدید نمی‌آید. به قول سامووار، فرهنگ و روابط بین فرهنگی از حوزه‌های مهم زندگی است که تحت تأثیر جهانی شدن، تغییر یافته‌است. روابط سنتی گذشته، تحت تأثیر ارتباطات که مهم‌ترین بستر جهانی شدن است تغییر کرده و شکل جدیدی به خود گرفته‌است. برخوردهای بین فرهنگی امروزه با ملاقات‌های گذشته متفاوت است. این برخوردها به دلیل وجود ارتباطات و تماس‌های موجود در دنیا بیش‌تر شده و اهمیت فزاینده‌ای یافته‌است (سامووار ۱۳۷۹، ۹۸).

مطالعات حوزه‌ی ارتباطات بین فرهنگی در صدد پاسخگویی به این سوال است که «چگونه مردم درک می‌کنند یا می‌فهمند دیگری را، به ویژه زمانی که در یک تجربه‌ی فرهنگی مشترک سهیم نیستند؟». اندکی قبل از دهه‌ی گذشته، این سوال تنها برای دیپلمات‌ها، تبعیدی‌ها و مسافرین موقت بین‌المللی پیش می‌آمد. در عصر جهانی شدن زندگی در جوامع چند-فرهنگی، همه‌ی ما را با این سوال رو به رو ساخته است. ما اکنون درمی‌یابیم که موضوعات مرتبط با درک بین فرهنگی در سوالات پیچیده‌ی دیگری جای گرفته‌است: از جمله، چه نوع ارتباطی برای یک جامعه‌ی کثرت‌گرا، هم به لحاظ تنوع فرهنگی و هم به لحاظ تک‌فرهنگی شدن، در اهداف مشترک نیاز است؟ یا چه نوع ارتباطاتی یک جو آمیخته با احترام و ارج نهادن و نه فقط مدارا را برای تنوع و گوناگونی ایجاد می‌کند؟ (بنت^۱، ۱۹۹۸: ۱).

فناوری با ایجاد توسعه در دو زمینه از تلاش‌های انسان، یعنی سیستم‌های حمل و نقل و نظام‌های ارتباطی موجب تسریع ارتباطات بین فرهنگی شده است. انجام سفرهایی که در گذشته مدت زمان زیادی به طول می‌انجامید، در حال حاضر طی چند ساعت انجام می‌شود. با افزایش امکان سهولت حرکت، احتمالاً با سرعت بیشتری با فرهنگ‌های جدید و متنوع رو به رو خواهیم شد. نظام‌های ارتباطی جدید و پیشرفته نیز موجب بهبود و تسهیل در تعامل فرهنگی در دهه‌ی گذشته شده‌اند (سامووار ۱۳۷۹: ۲۸). شناخت شیوه‌های ارتباطی غریبه‌ها، به عنوان مرحله‌ای ضروری در فرا رفتن به آن‌سوی دوگانگی «خودی در مقابل غریبه یا بیگانه»، به موضوع محوری در ارتباطات بین فرهنگی تبدیل شده است (کیم و هوبارد، ۲۰۰۷: ۲۲۵).

اصطلاح غریبه به جورج زیمل جامعه‌شناس آلمان (۱۸۵۸-۱۹۱۸) بر می‌گردد. او غریبه را به-عنوان فردی تعریف می‌کند که عضو یک سیستم است اما قویاً به آن سیستم وابسته نیست.

مسئله‌ی حساسیت بین فرهنگی، با مفاهیم «خود» و «دیگری» در دیدگاه هربرت مید ارتباط پیدا می‌کند. در نظریه‌ی اجتماعی هربرت مید، «خود» اغلب یک «خود اجتماعی» است و در جریان تعاملات و مناسبات با دیگران شکل می‌گیرد و آگاهی شخص از خودش، بازتاب افکار

دیگران در مورد اوست. از این رو به هیچ وجه نمی توان از خودهای جداگانه صحبت نمود. جامعه همان مناسبات اجتماعی میان افراد است و افراد نیز خارج از همین مناسبات اجتماعی نمی توانند وجود داشته باشند. بدون مناسبات اجتماعی کنشگری انسانی و فرهنگ وجود نخواهد داشت. «جامعه»، برآیندی از مکالمه‌ی ایماها و اشارات درونی شده با خود و دیگران می باشد. «خود» یک امر تکوینی است و در جریان تعاملات و مناسبات اجتماعی با دیگران شکل می گیرد و زمینه‌ی اجتماعی جایگاه درخور توجهی در شکل گیری آن دارد (مید، ۱۹۳۴: ۷۶).

رابرت ازرا پارک، همراه با بورگس اصطلاح فاصله‌ی اجتماعی^۱ را برای اولین بار به مجموعه واژگان جامعه‌شناسی وارد کردند. منظور از فاصله‌ی اجتماعی میزان احساس نزدیکی یا پذیرشی که اعضای یک گروه در قبال گروه دیگر دارد می باشد. این مفهوم برای سنجش درجه‌ی صمیمیت ممکن در روابط اجتماعی گروه‌های مختلف نژادی و قومی و رابطه‌ی بین اعضای آن‌ها به کار می رود (کوئن ۱۳۷۱: ۱۳۱). بوگاردوس^۲ از شاگردان پارک، در بررسی علمی مسائل شهری، موضوع مهاجرت خارجیان متعلق به نژادها و اقوام مختلف به ایالات متحده و مسائل و کشمکش‌هایی را که به هنگام جذب و در هم آمیخته شدن آن‌ها در جامعه و فرهنگ آمریکا پیش آمد، مورد بررسی قرار داد. بوگاردوس بر آن بود تا شیوه‌ای بیابد که به وسیله آن به تواند میزان تمایل اعضای گروه‌های مختلف قومی را نسبت به برقراری روابط اجتماعی با یکدیگر مورد سنجش قرار دهد و هم‌چنین میزان فاصله‌ی را که اعضای یک گروه قومی معین نسبت به گروه غیر خودی احساس می نماید، مشخص کند. وی در این راستا مقیاس فاصله اجتماعی را ابداع نمود (نیومن^۳، ۱۹۹۷: ۱۶۳). این مقیاس امروزه برای برآورد میزان فاصله و تضاد بالقوه و واقعی موجود در بین گروه‌های فرهنگی، صنعتی، سیاسی، نژادی، مذهبی و غیره به کار برده می شود (رفیع پور ۱۳۷۵: ۲۰۷).

1- Social distance

2- Bogardus

3- Neuman

نظریه‌ی حساسیت بین فرهنگی

میلتون جی بنت، در زمره‌ی جامعه‌شناسان معاصر است که در حوزه مطالعات بین فرهنگی و در چارچوب مدل توسعه‌ای حساسیت بین فرهنگی، برنامه‌ی آموزش بین فرهنگی و قابلیت بین فرهنگی را مورد توجه قرار داده است. بنت، مدل توسعه‌ای حساسیت بین فرهنگی^۱ را به عنوان یک چهارچوب برای تفسیر و تشریح عکس‌العمل‌های مردم نسبت به تفاوت‌های فرهنگی ابداع کرد (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۳). این مدل به تفسیر و خوانش افراد از تفاوت‌های فرهنگی بر مبنای تجربه‌ی زیسته در موقعیت‌های عملی می‌پردازد (بورجولای و همکاران^۲، ۲۰۰۶: ۴۳).

میلتون بنت، حساسیت بین فرهنگی را نوعی فرآیند توسعه تعریف می‌کند که فرد از طریق آن توانایی‌ها و ظرفیت‌های گسترده‌ای را برای همسازی با تفاوت‌های فردی در خود توسعه می‌دهد (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۳). این دیدگاه به طور کلی بیانگر این مسئله است که توسعه‌ی ارتباطات بین فردی، منجر به کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی می‌شود. بدین منظور بنت، به ارائه یک مدل توسعه‌ای در ارتباطات بین فرهنگی پرداخته است. بر مبنای مفروضه‌ی اصلی این مدل، به موازات توسعه‌ی تجربه‌ی تفاوت‌های فرهنگی در فرد، قابلیت فرد در برقراری و حفظ پیوندهای بین فرهنگی افزایش می‌یابد (هامر و همکاران^۳، ۲۰۰۳: ۴۲۳).. بنابراین، این مدل، یک مدل توصیفی تغییر در نگرش‌ها و رفتار نیست؛ بلکه مدل تغییر در ساختار جهان‌بینی است؛ جایی که رفتار قابل مشاهده و نگرش‌های خودسنجی در هر مرحله، نشانه‌ی وضعیت و حالت جهان‌بینی اصلی است. بنت، مدل خود را به شش مرحله شناختی و ساختاری تقسیم می‌کند که به صورت پیوستاری از حساسیت‌های فزاینده به سوی نسبی‌گرایی فرهنگی در حرکت است؛ یعنی حرکت تسلسل‌وار از قوم‌مداری به دیگرمداری که هر مرحله با انواع خاصی از نگرش‌ها و رفتارها نسبت به تفاوت‌های فرهنگی همراه است. سه مرحله نخست از

1- Developmental Model of Intercultural Sensitivity

2- Bourjolly and etal

3- Hammer and etal

این مدل شامل دیدگاه‌های قوم مدارانه و سه مرحله آخر شامل نسبی گرایی قومی است (فولر، ۲۰۰۷: ۳۲۴).

تجربه کردن تفاوت‌ها از مرحله‌ی انکار تا مرحله‌ی ادغام



انکار- کردن ^۶	دفاع کردن ^۵	کوچک شماری ^۴	پذیرش ^۳	سازگاری ^۲	ادغام و یکپارچگی ^۱
-----------------------------	------------------------	-------------------------	--------------------	----------------------	----------------------------------

مراحل قوم‌مداری

مراحل نسبی بودن فرهنگی

شکل ۱- مدل توسعه‌ای حساسیت بین فرهنگی

(منبع: بنت، ۱۹۹۸)

در نظریه حساسیت بین فرهنگی، قوم‌مداری شامل سه مرحله است که عبارت است از انکار تفاوت‌ها، دفاع در برابر تفاوت‌ها و دست کم گرفتن تفاوت‌ها.

مرحله‌ی انکار تفاوت‌ها: نخستین مرحله‌ی قوم‌مداری، انکار تفاوت‌ها است. در این مرحله، فرد تفاوت‌ها را نمی‌پذیرد و به تفاوت‌های فرهنگی بی‌توجهی می‌کند و فرهنگ تجربه شده‌ی خود را تنها حقیقت موجود می‌داند. این طرز تلقی و اعتقاد، انزوای اجتماعی و جدایی مکانی و فیزیکی فرد را بدنبال دارد. این مرحله با بکارگیری تصورات قالبی در توصیف‌ها و تفاسیر از تفاوت‌های فرهنگی همراه است (بنت، ۱۹۹۸: ۲۶).

مرحله‌ی دفاع در برابر تفاوت‌ها: در مرحله‌ی دوم، فرد نوعی ارزیابی منفی از تفاوت‌های فرهنگی پیدا می‌کند و به دوگانگی خودی در برابر غیر خودی اعتقاد پیدا می‌کند. فرد با بدنام کردن و الصاق تصورات قالبی منفی به غیر خودی‌ها و با الصاق تصورات قالبی مثبت به

-
- 1- Integration
 - 2- Adaptation
 - 3- Acceptance
 - 4- Minimization
 - 5- Defense
 - 6- Denial

خودی‌ها، با خطر تغییر جهان‌بینی ثابت و پایدارشان مبارزه می‌کند. در این مرحله، فرهنگ خود فرد در اوج کمال و تعالی قلمداد می‌شود و نوعی گرایش به ارزیابی فرهنگ‌های متفاوت به‌عنوان عقب مانده شکل می‌گیرد (همان، ۲۷).

مرحله‌ی دست کم گرفتن تفاوت‌ها: مرحله‌ی سوم، کوچک شمردن تفاوت‌ها است. در این مرحله فرد با نادیده گرفتن تفاوت‌ها به تاکید بر شباهت‌های بین گروه‌های مختلف فرهنگی می‌پردازد. هر چند فرد تفاوت‌های فرهنگی سطحی از قبیل عادات و رسوم خوردن و هنجارهای اجتماعی دیگر را می‌پذیرد اما با اذعان به این که همه انسان‌ها در مجموع برابر هستند، تفاوت‌ها را سطحی می‌انگارد و اصالتی برای آن قائل نمی‌شود (همان، ۲۸).

نسبی‌گرایی فرهنگی، شامل سه مرحله‌ی پذیرش تفاوت‌ها، انطباق با تفاوت‌ها و ادغام و یکپارچگی می‌باشد.

مرحله‌ی پذیرش تفاوت‌ها: پذیرش تفاوت‌ها، مرحله چهارم از مراحل شش‌گانه‌ی حساسیت بین فرهنگی و مرحله‌ی نخست نسبی‌گرایی فرهنگی است. در این مرحله، فرد از شناسایی و کشف تفاوت‌های فرهنگی لذت می‌برد و برای آن ارزش قائل می‌گردد. فرد قابلیت زیستن راه‌ها و شیوه‌های فرهنگی متفاوت تفکر و رفتار را می‌پذیرد و بر این باور است که رفتار و ارزش‌های فرد تنها سبک و شیوه مقبول در جهان نیست (همان، ۲۸).

مرحله‌ی انطباق با تفاوت‌ها: در این مرحله، فرد تلاش می‌کند تا با دیدگاه طرف مقابل همدلی و همنوایی نماید و از منظر آن به واقعیت بنگرد. در این نقطه تجربه فرهنگ دیگری درک و رفتار مناسبی را نسبت به آن فرهنگ برمی‌انگیزاند و دیدگاه فرد تا اندازه‌ای گسترش می‌یابد که ساختارهای نسبی سایر فرهنگ‌ها را شامل می‌شود. فرد در این مرحله می‌تواند رفتارش را در شیوه‌هایی که بیشتر با فرهنگ‌های دیگر مناسبت دارد تا با فرهنگ خودش تعدیل نماید (همان، ۲۸-۲۹).

مرحله‌ی ادغام در تفاوت‌ها: در این مرحله، جهان‌بینی بیش از یک فرهنگ برای فرد نهادینه می‌شود و در نتیجه فرد هویتی پیدا می‌کند که می‌تواند درون و برون چهارچوب‌های ارزشی خاص خود رفت و آمد کند. در این مرحله فرد انعطاف بیشتری در حل تضادهای بین

فرهنگی پیدا می‌کند. فرد هویتی را کسب می‌کند که به آن امکان می‌دهد خودش را علاوه بر ملیت و زمینه‌ی قومیت‌شان به‌عنوان «طرفداران بین فرهنگی»^۱ یا «طرفداران چند فرهنگی»^۲ در نظر بگیرد (همان، ۳۰).

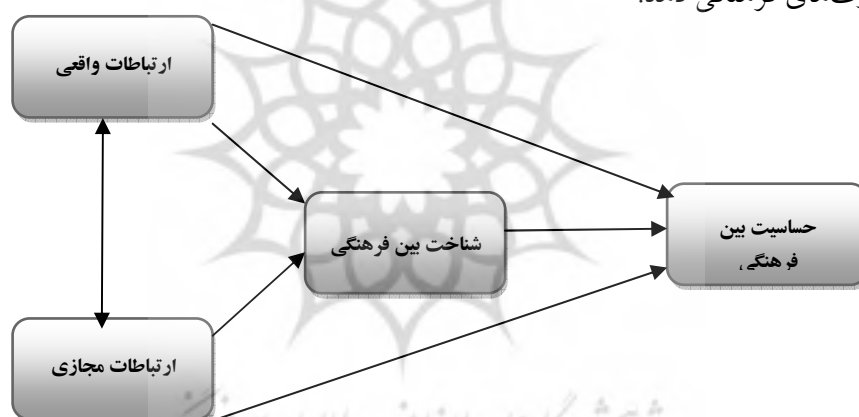
چارچوب نظری

با لحاظ نمودن مفهوم‌پردازی‌های ارایه‌شده در خصوص ارتباطات و حساسیت بین فرهنگی، این‌گونه می‌توان استنباط کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط و اثرگذار بر حساسیت بین فرهنگی، مشخصه‌ی ارتباطات و همگرایی بین فرهنگی می‌باشد؛ بدین‌سان که ارتباطات در سطوح مجازی و واقعی آن و آشنایی بین فرهنگی عوامل مهمی در افزایش و کاهش حساسیت بین فرهنگی می‌باشد، که این امر به بهترین وجه در مدل نظری بنت نشان داده شده‌است؛ آن‌جا که بنت معتقد است با گسترش ارتباطات بین دو گروه، حساسیت بین فرهنگی آنان نسبت به یکدیگر کاهش پیدا می‌کند. به بیان دیگر، در این فرایند شش مرحله‌ای، فرد به تدریج با وسعت بخشی به ارتباطات خود، تجربیات جدیدی به‌دست می‌آورد. در ساده‌ترین شکل در بخشی از آموخته‌های قبلی خود بازنگری کرده و مسایل و پیش‌فرض‌های جدیدی را می‌پذیرد و با انعطاف بیشتری به تعامل با افراد متعلق به فرهنگ‌های دیگر می‌پردازد. بنابراین، در نظریه‌های مورد بررسی در این نوشتار، که بر وضعیت جوامع فرهنگی متنوع و متکثر معاصر استوار است، برای تقویت اشتراکات فرهنگی و کاهش حساسیت بین فرهنگی، برگسترش پهنه میدان تعاملاتی و توسعه‌ی ارتباطات مجازی و واقعی و بسط شناخت بین فرهنگی تأکید شده‌است. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که در کشورهای اروپایی اواخر قرن بیستم، گروه‌های قومی، و نژادی اغلب مهاجر بوده، فلذا اشتراکات بین فرهنگی شدت چندانی نداشته‌است. بنابراین، دغدغه اصلی آن‌ها ایجاد مخرج‌های مشترک از

1- Interculturalists

2- Multiculturalists

طریق توسعه‌ی ارتباطات و آشنایی بین فرهنگی بوده است. این در حالی است که اقوام ساکن در ایران نه تنها مهاجر نبوده بلکه از سابقه‌ی دیرینه‌ی همگرایی و همزیستی بین فرهنگی برخوردار بوده‌اند. با این وصف، وجود خاص‌گرایی‌های خانوادگی، طایفه‌ای و قومی و احساس تعهد و تکلیف در برابر اجتماعات غیر رسمی کوچک و تقدم منافع خاص‌گرایانه‌ی فردی، خانوادگی و قومی بر مصالح جمعی عام، دشواری‌هایی را فرا روی اجتماع جامعه‌ای در ایران قرار داده است و نشان از وجود حساسیت‌های فرهنگی منفی دارد. بنابراین انتظار می‌رود که با توسعه‌ی میدان و پهنه تعاملات اعضای متعلق به اجتماعات قومی، افق ذهنی و بینشی افراد گسترش یافته و مطلق‌گرایی فرهنگی جای خود را به پذیرش، تصدیق و انطباق با تفاوت‌های فرهنگی دهد.



شکل ۲- مدل نظری

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- گستره‌ی ارتباطات مجازی با میزان حساسیت بین فرهنگی رابطه دارد. هر چه سطح و گستره‌ی ارتباطات مجازی (بیشتر/ کمتر) باشد، میزان قوم‌مداری (کاهش/ افزایش) می‌یابد.
- ۲- گستره‌ی ارتباطات مجازی با میزان حساسیت بین فرهنگی رابطه دارد. هر چه سطح و گستره‌ی ارتباطات مجازی (بیشتر/ کمتر) باشد، نسبی‌گرایی فرهنگی (افزایش/ کاهش) می‌یابد.

۳- سطح و گستره‌ی ارتباطات بین فرهنگی با میزان حساسیت بین فرهنگی رابطه دارد. هر چه سطح و گستره‌ی ارتباطات بین فرهنگی (بیشتر/کمتر) باشد، میزان قوم‌مداری (کاهش/افزایش) می‌یابد.

۴- سطح و گستره‌ی ارتباطات بین فرهنگی با میزان حساسیت بین فرهنگی رابطه دارد. هر چه سطح و گستره‌ی ارتباطات بین فرهنگی (بیشتر/کمتر) باشد، میزان نسبی گرایشی فرهنگی (افزایش/کاهش) می‌یابد.

۵- سطح آشنایی بین قومی با میزان حساسیت بین فرهنگی رابطه دارد. هر چه سطح آشنایی بین قومی (بیشتر/کمتر) باشد، میزان قوم‌مداری (کاهش/افزایش) می‌یابد.

۶- سطح آشنایی بین قومی با میزان حساسیت بین فرهنگی رابطه دارد. هر چه سطح آشنایی بین قومی (بیشتر/کمتر) باشد، میزان نسبی گرایشی فرهنگی (افزایش/کاهش) می‌یابد.

روش‌شناسی تحقیق

تعاریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته

در بخش‌های قبلی به تفصیل مفهوم سازی حساسیت بین فرهنگی و مراحل آن مورد توجه قرار گرفت. در مرحله قوم‌مداری، فرهنگ خود فرد به‌عنوان واقعیت مرکزی تجربه می‌شود و تفاوت به‌عنوان امری تهدید آمیز تلقی می‌گردد. اما در مرحله‌ی نسبی‌گرایی فرهنگی، فرهنگ خود فرد در زمینه‌ی فرهنگ‌های دیگر تجربه می‌شود. تفاوت از این مرحله به بعد به‌عنوان تهدید تلقی نمی‌شود و افراد گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های نسبی‌بودن فرهنگی را می‌پذیرند. در این نوع جهت‌گیری، تکثر و تفاوت فرهنگی و اعتبار فرهنگ‌ها به‌عنوان ساختار با دوام و ماندگار جهان به رسمیت شناخته می‌شود (ویستریک و همکاران^۱، ۲۰۰۷: ۱۳۱-۱۳۲). با توجه به ماهیت پیچیده، چند بُعدی و سیال حساسیت بین فرهنگی^۲ با تأسی از مطالعات تجربی فولر (۲۰۰۷)، شاقاسمی (۱۳۸۷) و عاملی و مولایی (۱۳۸۸)، مراحل حساسیت بین

1- Westrick and etal

۲- سؤالات طبق مراحل حساسیت‌های بین فرهنگی برای دو گروه تُرک و کُرد به‌طور مجزا طراحی شده‌اند.

فرهنگی و ابعاد آن در سطح ترتیبی و با طیف لیکرت، عملیاتی و مورد سنجش قرار گرفته است. مراحل قوم مداری در ابعاد سه گانه‌ی انکار تفاوت‌ها با ۲ گویه (من زمانی که در کنار تُرک‌ها زندگی نمی‌کنم احساس ناامنی می‌کنم. من ترجیح می‌دهم که فقط در کنار تُرک‌ها زندگی کنم)، و دفاع در مقابل تفاوت‌ها با ۱۰ گویه (خداوند کسانی را که بخواهد مورد مرحمت خود قرار دهد جزو ملت تُرک قرار می‌دهد. شیوه‌ی زندگی ملت تُرک می‌تواند الگوی مناسبی برای زندگی سایر ملل و اقوام باشد. تنها شیوه‌ی مطلوب زندگی برای فرزند من، زندگی به شیوه‌ی من به‌عنوان یک تُرک است. تُرک‌ها نسبت به کردها از اعتقادات دینی و مذهبی قوی تری برخوردارند. تُرک‌ها نسبت به سایر ملل و اقوام وظایف و احکام دینی خود را بهتر انجام می‌دهند. تُرک‌ها نسبت به کردها در امورات مختلف زندگی دید بازتری دارند. من حاضر نیستم مذهب دیگری جز مذهب خودم داشته باشم. به تُرک بودن خودم افتخار می‌کنم و حاضر نیستم قومیت ام را تغییر بدهم. زبان تُرکی زیباترین زبان است. فرهنگ تُرک‌ها بر فرهنگ سایر اقوام برتری دارد) و کوچک شماری تفاوت‌ها با ۸ گویه (اشتراکات تُرک‌ها و کردها بیشتر از اختلافاتشان باهم است. بین ما و کردها اصول و باورهای مشترکی وجود دارد. کردها و تُرک‌ها می‌توانند با نادیده گرفتن تفاوت‌هایشان در کنار هم زندگی کنند. به جای تأکید بر اختلافات بایستی بر شباهت‌های عمده‌ی ما و کردها که ایرانی و مسلمان بودن است تأکید کرد. من از اینکه می‌شنوم میان کردها و تُرک‌ها اختلاف هست احساس ناراحتی می‌کنم. من نه تنها از کردها دوری نمی‌کنم، بلکه آنها را در کنار خود می‌پذیرم. به نظر من دوستی کردها با تُرک‌ها مانعی ندارد. بین مذاهب اسلامی اختلاف عقیده‌ی زیادی وجود دارد و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت).

مراحل نسبی گرای فرهنگی در ابعاد پذیرش تفاوت‌ها با ۸ گویه (من در تعامل با کردها احساس خوبی پیدا می‌کنم. کردها در ارزش‌ها و اعتقادات تا حدودی با ما متفاوت هستند و این به نظر من یک امر عادی و طبیعی است. داشتن روابط میان تُرک‌ها و کردها در بسیاری از موارد مفید و سازنده است. به باور من کردها بایستی بتوانند آزادانه بر طبق ارزش‌ها و آداب و رسوم خود رفتار

کنند. فرهنگ کردها موجب تقویت و غنای فرهنگ ترکها می شود. کردها باید حق و حقوق برابری با ترکها، فارسها، عربها و بلوچها داشته باشند. کردها حق دارند از زبان و فرهنگ خود محافظت نمایند. کردها حق دارند از مذهب خود محافظت نمایند، نظر شما چیست) و انطباق با تفاوتها با آگویه (خوب است، ترکها و کردها از ارزشها و آداب و رسوم یکدیگر آگاه شوند. ترکها و کردها می توانند در برخی موارد بر طبق دستورات مذهبی و آداب و رسوم یکدیگر رفتار کنند. گاهی اوقات که با کردها، رابطه ی نزدیکی دارم احساس می کنم که برخی رفتارهای من در مقابل آنها تغییر کرده است. از نظر من ازدواج کردها با ترکها ایرادی ندارد. از نظر من شراکت در کسب و کار با کردها ایرادی ندارد.)، به طور جداگانه عملیاتی که با طیفی پنج گزینه ای (کاملاً موافق، موافق، بی نظر، مخالف و کاملاً مخالف) حساسیت بین فرهنگی افراد را مورد سنجش قرار می دهد. لازم به ذکر است که در مدل توسعه ای حساسیت بین فرهنگی برای سنجش مرحله ادغام در تفاوتها، سنجش در نظر گرفته نشده است. زیرا در شرایط واقعی چنین تغییر حالتی تا این اندازه در فرد به ندرت پیش می آید و سنجش آن نیز دشوار می باشد. برای سنجش میزان اعتماد یا پایایی مقیاس های مذکور از آزمون آلفای کرونباخ و برای ارزیابی میزان اعتبار یا روایی ابزار اندازه گیری از روش های اعتبار صوری و درونی بهره گرفته شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص قوم مداری و نسبی گرایی فرهنگی به ترتیب $0/832$ و $0/79$ محاسبه شده است. با توجه به ماهیت چند بعدی و پیچیده ی مفهوم حساسیت بین فرهنگی، با چند پرسش باز نیز متغیر مذکور مورد بررسی قرار گرفته است که در بخش کیفی به آن سوالات اشاره شده است.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل

ارتباطات مجازی

ارتباطات مجازی که به وسیله ی رسانه ها صورت می گیرد، خود عامل مهمی در افزایش آگاهی افراد فرهنگ های مختلف نسبت به یکدیگر می باشد. رسانه های جمعی یا گروهی عبارتند از «شکل های ارتباط،

مانند روزنامه ها، مجلات، رادیو یا تلویزیون که به منظور رساندن پیام به پیام گیرندگان انبوه طرح ریزی شده اند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۸۰۵). در این نوشتار، منظور از ارتباطات مجازی میزان دسترسی و مصرف رسانه-های ارتباطی نظیر، تلویزیون ایران، مطبوعات (روزنامه‌ها و مجلات)، شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و موبایل می‌باشند. میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، شامل ۵ متغیر رتبه‌ای با ۵ ارزش (با ترتیب صعودی: اصلاً، کمتر از ۱ ساعت، ۱ تا ۲ ساعت، ۲ تا ۳ ساعت، و بیش از ۳ ساعت) است که به تفکیک هر کدام از رسانه‌های ذکر شده در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

ارتباطات بین فرهنگی

منظور از ارتباطات بین فرهنگی، رابطه اجتماعی بین اعضای دو یا چند گروه قومی است که این روابط می‌توانند به انواع مختلفی همانند روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تقسیم شود و اشکال گوناگونی همانند معاملات اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی مشترک، دوستی، معاشرت و خویشاوندی، تبادل نظر و مشورت متقابل و نیز اختلافات و نزاع‌های بین اقوام داشته باشد (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۵؛ چلبی، ۱۳۷۸: ۹). منظور از ارتباط واقعی یا رابطه بین قومی در اینجا، رابطه اجتماعی‌ای است که بین اعضای اقوام گُرد و تُرک در شهر قروه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، فکری و مشورتی و خصمانه وجود دارد. این متغیر در سطح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته است.

آشنایی بین قومی

آشنایی بین قومی، به معنای شناختی است که اعضای هر گروه قومی نسبت به سایر اقوام دارند. این شناخت، معمولاً به صورت آشنایی با آداب، رسوم و فرهنگ سایر اقوام می‌باشد (یوسفی، ۱۳۸۵: ۴). منظور از آشنایی بین قومی در این جا، میزان شناخت کلی اعضای هر کدام از اقوام گُرد و تُرک در مورد زبان، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و فرهنگ یکدیگر می‌باشد. میزان آشنایی در اینجا در واقع بیانگر شدت آشنایی بین اقوام می‌باشد که خود نشان دهنده‌ی میزان و عمق آگاهی اعضای هر قوم نسبت به قوم دیگر است. این متغیر، شامل ۴ متغیر رتبه‌ای می‌باشد که بر مبنای طیف لیکرت سنجیده شده است.

روش تحقیق

بررسی حساسیت بین فرهنگی، در یک سطح وسیع با تعداد نمونه‌های بالا و هم‌چنین با لحاظ نمودن تنوع و تکثر فرهنگی و قومی در میان نمونه‌های مورد بررسی، محقق را بر آن داشت تا از روش پیمایش^۱ به عنوان روش مناسب بررسی حساسیت بین فرهنگی در میان اجتماعات قومی یاد شده در شهر قروه استفاده نماید. در پژوهش حاضر، از روش پیمایش مقطعی^۲، با دو هدف توصیف و تبیین استفاده شده است. در سطح توصیف، هدف نشان دادن تصویری از چگونگی جامعه آماری بر اساس متغیرهای مورد مطالعه به‌ویژه از نظر حساسیت بین فرهنگی می‌باشد. در سطح تحلیل یا تبیین، هدف یافتن روابط بین متغیرهای مستقل، یعنی میزان توسعه‌ی ارتباطات واقعی و مجازی و آشنایی بین قومی و متغیر وابسته یعنی حساسیت بین فرهنگی و تلاش برای تبیین تغییرات آن بر اساس متغیرهای مستقل می‌باشد.

اکثر عالمان علوم اجتماعی با عنایت به پیچیدگی واقعیات و پدیده‌های اجتماعی بر این باورند که به‌کارگیری روش‌شناسی کمی و کیفی به صورت مکمل هم می‌تواند بسیار مفید واقع شود و حتی در ادبیات پژوهشی علوم اجتماعی معاصر، دو واژه کمی - کیفی را به‌ندرت از هم‌دیگر جدا می‌کنند. با اذعان به این واقعیت، یکی از نکات کلیدی پژوهش حاضر که در جهت جبران نقایص وارده بر روش‌های کمی می‌باشد آشنایی نسبی با ابعاد معیشتی، فرهنگی و اجتماعی میدان مطالعاتی و لحاظ نمودن مشخصه‌ها، پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های آن در مراحل مختلف تحقیق به‌ویژه تدوین چارچوب نظری، تدوین معرف‌ها و شاخص‌های عملیاتی متغیرها و در نهایت ساخت ابزار گردآوری اطلاعات یعنی پرسشنامه می‌باشد. هم‌چنین، با آوردن چندین سوال باز در انتهای پرسشنامه تلاش شد تا نقایص وارد بر سوالات بسته تا حدی جبران شود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، تکنیک‌های آماری فراوانی مورد استفاده قرار گرفته است. از تکنیک‌های آمار توصیفی به‌ویژه جداول توزیع فراوانی جهت توصیف متغیرها و جهت سنجش این‌که افراد دو گروه از نظر حساسیت‌های بین فرهنگی در کدام مرحله قرار دارند، از آزمون دو جمله‌ای^۳ استفاده شده است. سوالات مرتبط با هر یک از مراحل حساسیت بین فرهنگی به عنوان یک شاخص واحد از

1- Survey

2- Cross-sectional survey

3- Binomial Test

حساسیت بین فرهنگی در نظر گرفته شده است. در این حالت، دو عدد برای حساسیت بین فرهنگی محاسبه می‌گردد که نشان دهنده‌ی حساسیت کم و زیاد است. با توجه به این که مراحل شش‌گانه‌ی حساسیت مانع‌الجمع نیستند و فرد می‌تواند به طور همزمان، در چند مرحله قرار بگیرد، شدت و ضعف حساسیت بین فرهنگی افراد از طریق اولویت بندی در مورد این که جهت‌گیری‌های افراد به ترتیب در کدام مرحله است از آزمون فریدمن استفاده شده است. از این آزمون زمانی استفاده می‌شود که بخواهیم یک صفت رتبه‌ای را در سه گروه یا بیش‌تر وابسته به هم بسنجیم. در نهایت با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن رابطه‌ی میزان استفاده از وسایل ارتباطی، میزان تعامل و ارتباط واقعی و میزان آشنایی بین قومی افراد با حساسیت بین فرهنگی مورد سنجش قرار گرفت.

۴-۵. جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، تُرک‌ها و کُردهای ساکن در شهر قروه می‌باشد که بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیت این شهر بالغ بر ۶۵۸۴۲ نفر می‌باشد (سالنامه‌ی آماری ۱۳۸۷). این شهر بافت چند فرهنگی دارد؛ با این وصف، آمار رسمی از جمعیت این دو قوم وجود ندارد. بر مبنای اطلاعات برگرفته از مسئولان و مطلعین شهر، تُرک‌ها و کُردها به ترتیب، ۴۰ و ۶۰ درصد جمعیت این شهر را به خود اختصاص داده‌اند. حجم نمونه ۳۶۶ نفر بوده که با استفاده از فرمول کوکران برآورد شده است. جهت اطمینان بیش‌تر و جلوگیری از ایرادپوششی و عدم جوابدهی پاسخگویان، ۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای این که ساختار نمونه شبیه ساختار جمعیت یا جامعه آماری باشد، ۱۶۰ نفر تُرک و ۲۴۰ کُرد حجم نمونه‌ی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش با مد نظر قراردادن این امر که اصلی‌ترین متغیر مورد بررسی در این تحقیق حساسیت‌های بین فرهنگی در بین اجتماعات قومی کُرد و تُرک در شهر قروه است و همچنین با لحاظ نمودن محدودیت‌ها و مضایق مالی و زمانی و مسأله‌ی دسترسی به چارچوب نمونه‌گیری یا فهرست اجتماعات قومی کُرد و تُرک، روش نمونه‌گیری احتمالی «خوشه‌ای چند مرحله‌ای» مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

این بخش شامل توصیف و تبیین داده هاست. در ابتدا توصیف داده‌ها و بررسی چگونگی وضعیت پاسخگویان از لحاظ هر یک از متغیرهای مورد نظر صورت گرفته است. آن‌گاه، جداول دو بعدی همراه با ضرایب همبستگی مربوط آورده شد و در بخش انتهایی، در مورد آن‌دسته از متغیرهای مستقلى که رابطه معناداری با متغیر وابسته داشته‌اند، تحلیل رگرسیون چند متغیره صورت پذیرفته است.

توصیف داده‌ها

ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

در نمونه‌ی مورد بررسی، ۴۸/۵ درصد پاسخگویان را زنان و ۵۱/۵ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. به لحاظ گروه سنی، بیش‌ترین فراوانی مربوط به رده‌ی سنی ۲۲-۱۸ با (۲۵/۵ درصد) و میانه‌ی سنی ۳۰ سال می‌باشد. از نظر سطح سواد، میانه‌ی تحصیلی در سطح دیپلم و دارندگان مدرک فوق دیپلم و لیسانس با (۳۶/۳ درصد) بیش‌ترین فراوانی و افراد بی‌سواد و یا با سواد در حد خواندن و نوشتن و ابتدایی با (۱۲/۳ درصد) از کم‌ترین فراوانی برخوردار بوده‌اند. به لحاظ قومیت، ۴۰ درصد پاسخگویان تُرک و ۶۰ درصد کُرد و از نظر تعلق مذهبی، ۶۷/۸ درصد شیعه و ۳۲/۳ درصد سنی بوده‌اند. بیشتر افراد مورد بررسی (۵۲/۳ درصد) شاغل بوده و از نظر میزان درآمد، ۵۹ درصد درآمد پایینی (۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار تومان در ماه) داشته‌اند.

توصیف آماری شاخص حساسیت بین فرهنگی و مراحل آن در میان دو گروه کُرد و تُرک همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، میانگین حساسیت بین فرهنگی در میان دو گروه کُرد و تُرک (نمونه کل) معادل ۵۱/۷ است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ در حد متوسط ارزیابی می‌شود. میانگین قوم‌مداری (وجه منفی حساسیت بین فرهنگی) در نمونه کل معادل ۶۰/۱ است که در حد متوسط ارزیابی می‌شود. میانگین نسبی‌گرایی بین فرهنگی (وجه مثبت حساسیت بین فرهنگی) معادل ۳۸/۵ است که در حد پایین ارزیابی می‌شود. مقایسه شاخص مراحل حساسیت بین فرهنگی به تفکیک دو گروه کُرد و تُرک نشان می‌دهد که قوم‌گرایی در میان گروه کُرد و نسبی‌گرایی فرهنگی در میان گروه تُرک شدت بیشتری دارد.

جدول ۱- توزیع فراوانی حساسیت بین فرهنگی و مراحل آن به تفکیک دو گروه ترک و کرد

متغیرها	گزینه ها	پاسخگویان ترک		پاسخگویان کرد		کل	
		فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی		فراوانی
حساسیت بین فرهنگی	۱- کم	۶۸	۴۲/۵	۶۵	۲۷/۱	۱۴۶	۳۶/۵
	۲- متوسط	۸۵	۵۳/۱	۱۶۵	۶۸/۸	۲۳۷	۵۹/۳
	۳- زیاد	۷	۴/۴	۱۰	۴/۲	۱۷	۳/۴
	جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰
		نما= متوسط؛ میانگین= ۵۴/۶		نما= متوسط؛ میانگین= ۴۸/۸		نما= متوسط؛ میانگین= ۵۱/۷	
قوم گرایی	۱- کم	۶۴	۴۰	۶۷	۲۷/۹	۱۳۱	۳۲/۸
	۲- متوسط	۵۸	۳۶/۳	۸۳	۳۴/۶	۱۴۱	۳۵/۲
	۳- زیاد	۳۸	۲۳/۷	۹۰	۳۷/۵	۱۲۸	۳۲
	جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰
		نما= متوسط؛ میانگین= ۴۸/۴		نما= زیاد؛ میانگین= ۷۲/۹		نما= متوسط؛ میانگین= ۶۰/۱	
نسبی گرایی فرهنگی	۱- کم	۶۱	۳۸/۱	۱۳۰	۵۴/۲	۱۹۱	۴۷/۷
	۲- متوسط	۷۰	۴۳/۸	۸۰	۳۳/۳	۱۵۰	۳۷/۵
	۳- زیاد	۲۹	۱۸/۱	۳۰	۱۲/۵	۵۹	۱۴/۸
	جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰
		نما= متوسط؛ میانگین= ۴۴/۴		نما= کم؛ میانگین= ۳۲/۶		نما= کم؛ میانگین= ۳۸/۵	

همچنین با استفاده از آزمون دو جمله‌ای^۱ شدت حساسیت دو گروه ترک و کرد نسبت به یکدیگر محاسبه گردید که نتایج آن در جداول ۲ و ۳ نشان داده شده است. با توجه به اعداد مربوط به فراوانی و احتمال مشاهده شده در جدول ۲ شدت حساسیت بین فرهنگی ترک‌ها نسبت به کردها از حد متوسط کمتر است.

جدول ۲- نتایج آزمون دو جمله‌ای برای سنجش شدت حساسیت‌های بین فرهنگی گروه ترک نسبت به گروه کرد

حساسیت‌های بین فرهنگی ترک‌ها	طبقه بندی	فراوانی	احتمال مشاهده شده	سطح معنی داری
گروه اول	۱	۱۳۸	۰/۸۶	-----
گروه دوم	۲	۲۲	۰/۱۴	-----
جمع	-----	۱۶۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰ ^a

۱- برای سنجش شدت حساسیت بین فرهنگی افراد از آزمون دو جمله‌ای بهره گرفته شده است - با توجه به نمره‌دهی سؤالات حساسیت بین فرهنگی به دو بخش تقسیم می‌شود که نمره ۱ نشانه‌ی کمتر یا کوچکتر می‌باشد و نمره ۲ نماد بیشتر یا بزرگتر می‌باشد - برای تحلیل نیز افراد به دو گروه تقسیم می‌شود - همچنین به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده، بر پایه‌ی سطح معنی داری نتیجه‌گیری می‌شود - به این معنا که اگر سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر باشد، نشان دهنده‌ی آن است که افراد گروه در مرحله‌ی مورد نظر قرار دارند.

داده‌های به‌دست آمده از آزمون دو جمله‌ای در جدول ۳ و اعداد مربوط به فراوانی و احتمال مشاهده شده نشان می‌دهد که شدت حساسیت‌گردد ها نسبت به تُرک‌ها نیز از حد متوسط کمتر است.

جدول ۳- نتایج آزمون دو جمله‌ای برای سنجش شدت حساسیت‌های بین فرهنگی گروه کُرد نسبت به گروه تُرک

حساسیت‌های بین فرهنگی کُرد ها	طبقه‌بندی	فراوانی	احتمال مشاهده شده	سطح معنی‌داری
گروه اول	۱	۱۷۴	۰/۷۲	-----
گروه دوم	۲	۶۶	۰/۲۸	-----
جمع	-----	۲۴۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰ ^a

جدول ۴ نیز که مربوط به آزمون من‌ویتنی بوده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه تُرک و کُرد از لحاظ شدت حساسیت بین فرهنگی وجود دارد.

جدول ۴- نتایج آزمون مقایسه‌ی شدت حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه تُرک و کُرد

قومیت	فراوانی	میانگین رتبه	جمع رتبه	سطح معنی‌داری
گروه تُرک	۱۶۰	۱۸۴	۲۹۴۴۰	-----
گروه کُرد	۲۴۰	۲۱۱/۵۰	۵۰۷۶۰	-----
جمع	۴۰۰	-----	-----	۰/۰۰۱

به‌منظور دست‌یابی به نتیجه‌ی نهایی یعنی تعیین مراحل حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه تُرک و کُرد نسبت به یکدیگر، از آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی بهره گرفته شد که نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است. بر مبنای داده‌های جدول یاد شده، در مورد گروه تُرک، بیش‌ترین میانگین رتبه به مرحله‌ی انطباق با تفاوت‌ها (مرحله‌ی پنجم) اختصاص دارد. بعد از آن گرایش‌های افراد با توجه به رتبه‌شان به ترتیب در مراحل پذیرش تفاوت‌ها (مرحله‌ی چهارم)، دفاع در مقابل تفاوت‌ها (مرحله‌ی دوم)، انکار تفاوت‌ها (مرحله‌ی اول) و دست کم گرفتن تفاوت‌ها (مرحله‌ی سوم) قرار دارد. بیش‌ترین میانگین رتبه‌ی حساسیت‌های بین فرهنگی گروه کُرد به مرحله‌ی دفاع در مقابل تفاوت‌ها (مرحله‌ی دوم) اختصاص دارد. بعد از آن گرایش‌های افراد با توجه به رتبه‌شان در مراحل پذیرش تفاوت‌ها (مرحله‌ی چهارم)، انطباق با تفاوت‌ها (مرحله‌ی پنجم)، دست کم گرفتن تفاوت‌ها (مرحله‌ی سوم) و انکار تفاوت‌ها (مرحله‌ی اول) قرار دارد.

جدول ۵- میانگین رتبه‌ی مراحل حساسیت‌های بین فرهنگی در میان دو گروه تُرک و کُرد

میانگین رتبه		مراحل حساسیت‌های بین فرهنگی
گروه کُرد	گروه تُرک	
۲/۱۹	۲/۰۸	انکار تفاوت‌ها
۳/۶۰	۳/۵۵	دفاع در مقابل تفاوت‌ها
۲/۲۵	۱/۹۱	دست کم گرفتن تفاوت‌ها
۳/۵۱	۳/۵۸	پذیرش تفاوت‌ها
۳/۴۵	۳/۸۹	انطباق با تفاوت‌ها

توصیف آماری شاخص ارتباطات بین فرهنگی، مجازی و آشنایی بین قومی در میان دو گروه کُرد و تُرک

جدول ۶، توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را در ابعاد ارتباطات مجازی، ارتباطات بین فرهنگی و آشنایی بین قومی نشان می‌دهد. بر مبنای جدول یاد شده، ارتباطات واقعی در میان هر دو گروه کُرد و تُرک در حد متوسط می‌باشد؛ با این وصف ارتباطات بین فرهنگی در میان تُرک‌ها شدت بیشتری دارد؛ در میان ۸۰ درصد از پاسخگویان تُرک، ارتباطات بین فرهنگی با کردها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حد متوسط به بالا می‌باشد. این نسبت در میان پاسخگویان کُرد کم‌تر می‌باشد. در ۸۰ درصد پاسخگویان کُرد، میزان ارتباطاتشان با تُرک‌ها در حد متوسط به پایین یا ضعیف است. با توجه به داده‌های به دست آمده، در خصوص ارتباطات مجازی می‌توان گفت که ارتباطات مجازی در میان هر دو گروه کُرد و تُرک در حد متوسط می‌باشد. استفاده از رسانه‌های ارتباطی داخلی در میان گروه تُرک شدت بیشتری از گروه کُرد دارد. میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی خارجی، در میان دو گروه کُرد و تُرک به ترتیب متوسط و زیاد می‌باشد. در مورد متغیر آشنایی بین قومی باید گفت که آگاهی پاسخگویان از یکدیگر و آشنایی بین قومی در میان آنها نیز در حد متوسط می‌باشد. با وجود این، آشنایی بین قومی و آگاهی تُرک‌ها نسبت به کردها از شدت بیشتری برخوردار است، بدین معنی که در میان ۸۰ درصد پاسخگویان تُرک آگاهی و آشنایی بین قومی در حد متوسط به بالا است که این نسبت در میان پاسخگویان کُرد کم‌تر می‌باشد به گونه‌ای که در ۸۰ درصد پاسخگویان کُرد میزان آگاهی و آشنایی بین قومی شان نسبت به تُرک‌ها در حد متوسط به پایین می‌باشد.

جدول ۶- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان ارتباطات واقعی، مجازی و آشنایی بین قومی

متغیرها	گزینه‌ها	گروه ترک		گروه کرد		نمونه کل	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
ارتباطات بین فرهنگی	۱- کم	۳۱	۱۹/۴	۱۰۰	۴۱/۷	۱۳۱	۳۲/۸
	۲- متوسط	۷۴	۴۶/۳	۹۶	۴۰	۱۷۰	۴۲/۵
	۳- زیاد	۵۵	۳۴/۴	۴۴	۱۸/۳	۹۹	۲۴/۸
	جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰
شاخص مرکزی	نما	متوسط	متوسط	کم	متوسط	متوسط	متوسط
ارتباطات مجازی	۱- کم	۶۹	۴۳/۱	۸۹	۳۷/۱	۱۵۸	۳۹/۵
	۲- متوسط	۷۶	۴۷/۵	۱۳۳	۵۵/۴	۲۰۹	۵۲/۳
	۳- زیاد	۱۵	۹/۴	۱۸	۷/۵	۳۳	۸/۳
	جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰
شاخص مرکزی	نما	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط
استفاده از رسانه‌های داخلی	۱- کم	۲۵	۱۵/۶	۱۰۹	۴۵/۴	۱۳۴	۳۳/۵
	۲- متوسط	۶۲	۳۸/۸	۸۷	۳۶/۲	۱۴۹	۳۷/۳
	۳- زیاد	۷۳	۴۵/۶	۴۴	۱۸/۳	۱۱۷	۲۹/۳
	جمع	۱۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰
شاخص مرکزی	نما	زیاد	زیاد	کم	متوسط	متوسط	متوسط
استفاده از رسانه‌های خارجی	۱- کم	۳۸	۲۳/۸	۳۶	۱۵	۷۴	۱۸/۵
	۲- متوسط	۶۳	۳۹/۴	۷۵	۳۱/۲	۱۳۸	۳۴/۵
	۳- زیاد	۵۹	۳۶/۸	۱۲۹	۵۳/۸	۱۸۸	۴۷
	جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰
شاخص مرکزی	نما	متوسط	متوسط	زیاد	زیاد	زیاد	زیاد
آشنایی بین قومی	۱- کم	۳۹	۲۴/۴	۱۲۳	۵۱/۳	۱۶۲	۴۰/۵
	۲- متوسط	۸۸	۵۵	۹۱	۳۷/۹	۱۷۹	۴۴/۸
	۳- زیاد	۳۳	۲۶/۶	۲۶	۱۰/۸	۵۹	۱۴/۸
	جمع	۱۶۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰
شاخص مرکزی	نما	متوسط	متوسط	کم	متوسط	متوسط	متوسط

تحلیل دو متغیری حساسیت‌های بین فرهنگی و مراحل آن با متغیرهای مستقل

همان‌طور که در جدول ۷ آمده‌است، بین میزان استفاده‌ی روزانه از رسانه‌های داخلی (نظیر مطبوعات - روزنامه‌ها و مجلات -، رادیو، شبکه‌های تلویزیون) و میزان حساسیت بین فرهنگی در نزد دو گروه تُرک و کُرد رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. در میان مراحل حساسیت بین فرهنگی، استفاده از رسانه‌های داخلی، نسبتی رابطه معناداری با قوم‌گرایی در میان دو گروه مورد بررسی ندارد ولی استفاده از رسانه‌های داخلی، نسبی‌گرای فرهنگی را در میان دو گروه بالا برده است.

هم‌چنین، بین میزان استفاده‌ی روزانه از رسانه‌های خارجی و میزان حساسیت بین فرهنگی در نزد دو گروه تُرک و کُرد به ترتیب رابطه‌ی معکوسی و مستقیم معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش استفاده‌ی روزانه از رسانه‌های خارجی (نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت)، میزان حساسیت بین فرهنگی در نزد گروه تُرک کاهش و در نزد گروه کُرد افزایش می‌یابد. نکته قابل ذکر آن است که استفاده از رسانه‌های خارجی در افزایش قوم‌گرایی در میان گروه کُرد و افزایش نسبی‌گرایی در میان گروه تُرک موثر بوده است.

بر اساس داده‌های جدول ۷، بین میزان ارتباطات بین فرهنگی و میزان حساسیت بین فرهنگی در نزد دو گروه تُرک و کُرد رابطه‌ی معنادار و معکوسی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ارتباطات بین فرهنگی در ابعاد کاری، اجتماعی، فرهنگی و سازمانی در بین دو گروه تُرک و کُرد، میزان حساسیت بین فرهنگی در نزد آن دو گروه کاهش می‌یابد. با این وصف، ارتباطات بین فرهنگی بیش‌ترین اثر تعدیل‌کننده را بر روی حساسیت بین فرهنگی گروه تُرک دارد. علاوه بر این، ارتباطات بین فرهنگی اثر کاهنده‌ای بر قوم‌گرایی و اثر تقویت‌کننده‌ای بر نسبی‌گرایی فرهنگی در میان دو گروه مورد بررسی دارد.

هم‌چنین، بین میزان آشنایی بین قومی و حساسیت بین فرهنگی در نزد دو گروه تُرک و کُرد رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر اندازه اعضای یک قوم با زبان، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات و فرهنگ سایر اقوام آشنایی بیش‌تری داشته باشند، به همان میزان از حساسیت نسبت به شناسه‌های فرهنگی آن قوم کاهش می‌یابد. آشنایی بین قومی، در میان مراحل حساسیت بین فرهنگی، اثر کاهنده‌ای بر قوم‌گرایی و اثر تقویت‌کننده‌ای بر نسبی‌گرایی فرهنگی در میان دو گروه مورد بررسی دارد. این امر را می‌توان بر اساس مبانی نظری این پژوهش در قالب تأثیری که میزان شناخت و آگاهی بر روی

تکوین گرایش‌ها و شکل‌گیری هویت خودی و دیگری دارد، توجیه نمود. دیدگاه‌های سطح خرد جامعه‌شناسی، به ویژه دیدگاه کنش متقابل نمادی نیز مؤید چنین رابطه‌ای هستند.

جدول ۷- سنجش رابطه‌ی حساسیت بین فرهنگی با متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	فرهنگی گروه ترک	حساسیت بین	فرهنگی گروه کرد	حساسیت بین	قوم همداری	قوم همداری	قوم همداری	قوم همداری	گروه کرد	نسبی گرایی	نسبی گرایی
	ضرب اسپیرین	سطح معناداری	ضرب اسپیرین	سطح معناداری	ضرب اسپیرین	سطح معناداری	ضرب اسپیرین	سطح معناداری	ضرب اسپیرین	ضرب اسپیرین	سطح معناداری
رسانه‌های داخلی	۰/۰۷۱	۰/۳۶۴	۰/۰۷۶	۰/۱۸۳	۰/۱۰۶	۰/۱۰۶	۰/۱۰۶	۰/۱۰۶	۰/۱۰۶	۰/۱۰۶	۰/۱۱
رسانه‌های خارجی	۰/۳۴۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
رابطه‌های داخلی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
رابطه‌های خارجی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
رابطه‌های داخلی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
رابطه‌های خارجی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

تحلیل چند متغیری

برای کنترل روابط به دست آمده در تحلیل‌های دو متغیری و بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل‌های قبلی به تحلیل چند متغیری (تحلیل رگرسیون چند متغیره) پرداخته شده است. تحلیل رگرسیونی چند متغیره این امکان را به محقق می‌دهد که رابطه‌ی یک یک متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته با کنترل کردن

اثر آماری سایر متغیرهای مستقل موجود در رابطه را مطالعه کند و از اضافه برآورد کردن میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل ناشی از همبستگی بین آنها جلوگیری کند. جدول ۸ و ۹ نشان می‌دهد که از میان متغیرهای اصلی مورد بررسی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر میزان حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه تُرک و کُرد به ترتیب اهمیت عبارتند از: ارتباطات بین فرهنگی و ارتباطات مجازی. عوامل یاد شده‌ی فوق به ترتیب ۳۳ درصد و ۴۴ درصد از میزان حساسیت بین فرهنگی را در نزد دو گروه تبیین می‌کند. عوامل یاد شده، ۳۴ درصد و ۳۵ درصد از تغییرات قوم مداری و نسبی گرایی فرهنگی را در میان گروه تُرک تبیین می‌کند. همان گونه که در جدول ۹ آمده است ارتباطات بین فرهنگی و ارتباطات مجازی به ترتیب ۳۴ درصد و ۲۸ درصد از تغییرات قوم مداری و نسبی گرایی فرهنگی را در میان گروه کُرد تبیین می‌کند.

جدول ۸ - ضرایب تحلیل رگرسیونی چندمتغیره‌ی شاخص حساسیت بین فرهنگی و مراحل آن در میان گروه تُرک

متغیر	حساسیت بین فرهنگی			قوم مداری			نسبی گرایی بین فرهنگی		
	F	بتا	ضرب تعین	F	بتا	ضرب تعین	F	بتا	ضرب تعین
ارتباطات بین فرهنگی	۴۳/۳۹۷	-۰/۴۶۴	۰/۰۰۰	۶۲/۳۹۸	-۰/۵۱۲	۰/۰۰۰	۲۵/۸۷	۰/۳۷	۰/۰۰۰
ارتباطات مجازی	۲۴/۳۳۲	-۰/۳۴۶	۰/۰۰۰	۲۵/۶۷	-۰/۲۹۱	۰/۰۰۰	۴۶/۴۹۰	۰/۴۶۹	۰/۰۰۰
	معنی داری=۰/۰۰۰؛ ضرب تعین=۰/۳۳			معنی داری=۰/۰۰۰؛ ضرب تعین=۰/۳۴			معنی داری=۰/۰۰۰؛ ضرب تعین=۰/۳۵		

جدول ۹. ضرایب تحلیل رگرسیونی چندمتغیره‌ی شاخص حساسیت بین فرهنگی و مراحل آن در میان گروه کُرد

متغیر	حساسیت بین فرهنگی			قوم مداری			نسبی گرایی بین فرهنگی		
	F	بتا	ضرب تعین	F	بتا	ضرب تعین	F	بتا	ضرب تعین
ارتباطات بین فرهنگی	۵۸/۲۲۴	-۰/۵۲۳	۰/۰۰۰	۴۴/۸۶	-۰/۴۲۷	۰/۰۰۰	۳۳/۴۳۱	۰/۲۵۸	۰/۰۰۰
ارتباطات مجازی	۳۹/۷۰۲	-۰/۴۰۷	۰/۰۰۰	۳۳/۶۲۱	-۰/۳۲	۰/۰۰۰	۲۹/۸۹۲	۰/۳۹۵	۰/۰۰۰
	معنی داری=۰/۰۰۰؛ ضرب تعین=۰/۴۲۸			معنی داری=۰/۰۰۰؛ ضرب تعین=۰/۳۴۶			معنی داری=۰/۰۰۰؛ ضرب تعین=۰/۲۸۴		

تحلیل کیفی حساسیت بین فرهنگی در نزد دو گروه کُرد و تُرک

در این پژوهش جهت تکمیل یافته‌های کمی و رفع نقایص وارده بر داده‌های پیمایشی، در انتهای پرسشنامه چندین سوال باز طرح گردید. تحلیل‌های مربوط به بخش کمی در بخش‌های قبل ارائه گردید. در این جا تحلیل کیفی سوالات باز ارائه می‌شود. سوالات کیفی شامل سه سوال می‌باشد و این سوالات پژوهش‌گر را در رسیدن به عمق زوایای عقاید و نگرش پاسخ‌گویان نسبت به حساسیت بین فرهنگی کمک می‌نماید. سوالات کیفی عبارتند از:

۱) اگر امکان داشت که در ایران همه‌ی اقوام جدا از یکدیگر زندگی کنند آیا شما می‌پسندیدید که کردها جدا از تُرک‌ها زندگی کنند؟ لطفاً دلایل خود را بنویسید.

۲) بعضی‌ها معتقدند که می‌توان با حفظ اعتقادات و آداب و رسوم خاص خود در کنار کردها زندگی مسالمت‌آمیزی داشت شما چه نظری دارید؟ لطفاً توضیح بفرمایید.

۳) اگر فرزند شما در مورد انتخاب همسر تصمیم بگیرد که با یک کُرد ازدواج کند، آیا او را به این امر تشویق می‌کنید یا او را از این کار منصرف می‌کنید؟ لطفاً دلایل خود را بنویسید.

لازم به ذکر است که سوالات یاد شده مربوط به پاسخ‌گویان تُرک است لذا برای پاسخ‌گویان کُرد صورت سوالات تغییر پیدا نمود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افراد متعلق به اجتماعات قومی با توجه به جایگاه اجتماعی، میزان تحصیلات و سطح درآمد به گفتمان‌های متفاوتی دسترسی دارند که به موجب همین امر از سوژکتیویته ناهمسانی برخوردارند ولذا نوع نگاه آنان به مسئله‌ی حساسیت‌های بین فرهنگی متفاوت است. با توجه به نوع نگاه و پنداشتی که آن‌ها از دیگر اقوام دارند، دو نوع جهت‌گیری شناختی، عاطفی و کنشی متفاوت را می‌توان در میان آن‌ها تشخیص داد:

تیپ اول: گروهی از پاسخ‌گویان کُرد و تُرک را تشکیل می‌دهند که به لحاظ جایگاه اجتماعی و شناسه‌های سرمایه‌ی فرهنگی (نظیر تحصیلات)، و سرمایه‌ی اقتصادی (نظیر درآمد)، از وضعیت متوسط به بالایی برخوردارند. این دسته از افراد به دلیل برخورداری از منابع و امکانات اقتصادی و فرهنگی قادرند شبکه‌های اجتماعی فرامحلی و پُل‌های بیرونی را توسعه داده و آن را حفظ نمایند و در سایه‌ی آن مرزبندی‌های هویتی‌شان بسط و تعمیم می‌یابد. این گروه از پاسخ‌گویان در مورد

ارتباطات کاری، اجتماعی، فرهنگی با سایر اقوام با تساهل و تسامح بیشتری برخورد می‌کنند. بنابراین، از آستانه‌ی تحمل بالایی برخوردارند و آستانه‌ی دگرسازی و تحریک‌پذیری در آنان پایین است و ضمن پذیرش تفاوت‌ها و احترام نهادن به سایر اقوام، نوعی گذار را از قوم‌مداری تجربه نموده‌اند و به لحاظ فرهنگی، نسبی‌گرا هستند. هر چند در میان افراد متعلق به این تیپ، نوعی اجماع نظری و فکری در پذیرش و انطباق با تفاوت‌ها وجود دارد؛ با این وصف، برخی از آنان با لحاظ نمودن تجربه‌ی زیسته‌ی خود، هنوز بسترها و بافت فرهنگی، اجتماعی و سازمانی حاکم بر شهرقروه را در جهت انطباق و ادغام و یکپارچگی مناسب و مساعد نمی‌بینند.

در این جا چند نمونه از پاسخ‌های دو گروه (تُرک و کُرد) به سوالات ۱ و ۳ آورده شده است:

• مرد، ۴۱ سال، اهل تشیع، فوق لیسانس، میزان درآمد زیاد، کُرد

جواب سوال (۱) جدا زندگی کردن اقوام و مذاهب را نمی‌پسندم، زیرا فرهنگ‌های متعدد در کنار هم باعث شادابی و آگاهی بیشتر می‌شود.

جواب سوال (۳) او را تشویق به ازدواج با تُرک‌ها می‌کنم چون تُرک‌ها بسیار خونگرم و نسبت به داماد ارزش و احترام خاصی قایلند.

• زن، ۲۴ سال، اهل تشیع، لیسانس، میزان درآمد زیاد، تُرک

جواب سوال (۱) جدایی اقوام و مذاهب را نمی‌پسندم در غیر این صورت مشکلات زیادی میان اقوام مختلف پیش خواهد آمد و هدف اصلی که همان صلح و آرامش است فراموش می‌شود.

جواب سوال (۳) من نظر خودم را به فرزندم تحمیل نمی‌کنم و او را در تصمیم‌گیری آزاد می‌گذارم.

• زن، ۲۲ سال، اهل تسنن، فوق دیپلم، میزان درآمد متوسط، کُرد

جواب سوال (۱) جدایی را نمی‌پسندم ولی زندگی در شهر قروه که تُرک و کُرد و فارس باهم زندگی می‌کنند، مشکل است و در بعضی از ادارات تعصب‌های زیادی نسبت به هم وجود دارد. بنابراین، اگر جدا از هم زندگی می‌کردند خوب بود.

جواب سوال (۳) در ازدواجشان دخالت نمی‌کنم ولی اگر هر کس با فردی که عقاید و آداب و رسوم مشترکی با هم دارند ازدواج کند بهتر است.

- زن، ۲۱ سال، اهل تشیع، دیپلم ناقص، تُرک

جواب سوال ۱) جدایی را نمی‌پسندم ولی فرهنگ و زبان همه‌ی افراد یکدست باشد بهتر است و کمتر مشکل و سوء تفاهم پیش می‌آید. تبعیض هم صورت نمی‌گیرد.

تیپ دوم: شامل پاسخ‌گویی است که به نوعی با فقر سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند. این دسته از افراد که فاقد منابع و امکانات اقتصادی و فرهنگی هستند، به دلیل انتخاب محدود به درون مرزهای مشخص عقب نشینی می‌کنند و نوعی بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به محیط پیرامون و اعیان فرهنگی و اجتماعی در آنان تکوین یافته است و احساس محرومیت و تبعیض بر افق ذهنی و بینشی آنان حاکم است و از این طریق هویت‌ها و پیوندهای اولیه در آنان تقویت و حفظ می‌شود. بنابراین، به لحاظ جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و کنشی خاص‌گرا بوده و دایره‌ی تعلقات، تعهدات آنان محدود و محصور در اجتماع قومی خود می‌باشد و نوعی قوم‌مداری بر افق ذهنی و بینشی آنان حاکم است.

- مرد، ۳۷ سال، اهل تسنن، سواد در حد دیپلم، میزان درآمد پایین، کُرد

جواب سوال ۱) جدا زندگی کردن آن‌ها را می‌پسندم چون انسان با گروهی که اشتراکات زیادی با هم دارند و عقایدشان یکی است راحت‌تر زندگی می‌کند و همچنین تعصب و تبعیض بی‌جا و بی‌مورد نیز به حداقل می‌رسد.

جواب سوال ۲) خیر، زیرا آن‌قدر از نظر اصول و باورها و اعتقادات با هم اختلاف دارند و آن‌قدر نسبت به ما تبعیض قایل می‌شوند که خود به خود زندگی مسالمت آمیز هرچند مقطعی صورت نمی‌گیرد و با یک جرعه تفاوت‌ها انگشت نما می‌شود. حتی در محل کار نیز تفاهم زیادی با هم ندارند یعنی تعصبات مانع از آن است که بتوانند راحت در کنار همدیگر زندگی کنند.

جواب سوال ۳) از ازدواج با غیر کُرد منصرف می‌کنم چون زندگی شیرینی نخواهند داشت و از دوستانم کسانی هستند که به علت اختلافات فرهنگی و عقیدتی ازدواج ناموفقی داشته‌اند.

- زن، ۲۷ سال، اهل تشیع، دیپلم، میزان درآمد کم، کُرد

جواب سوال ۱) زندگی جدا را می‌پسندم اگر می‌شد که ترک‌ها و کردها جدا زندگی کنند، زندگی برای هر دو قوم ساده‌تر و بهتر می‌شد، زیرا که دو قوم مورد نظر هر کدام خصوصیات و عقاید و آداب خاصی را دارند به همین دلیل اختلافات شدیدی برایشان پیش می‌آید.

جواب سوال ۳) فرزندانم را از ازدواج با ترک‌ها منصرف می‌کنم چون تجربه‌ی این کار در خانواده‌ی ما وجود دارد و خوشایند نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار با بررسی و مطالعه‌ی دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی مرتبط و با استفاده از داده‌ها و نتایج حاصله از آن‌ها، برای تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی حساسیت‌های بین فرهنگی دو گروه ترک و کرد ساکن در شهر قروه، چهارچوب نظری پژوهش تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی مورد آزمون قرار گرفتند. یافته‌های تجربی هماهنگ با دیدگاه‌های نظری بیانگر این وضعیت‌اند که در بین دو گروه مورد بررسی، تفاوت‌های زبانی و مذهبی، میزان و پهنه‌ی تعاملات را در میان افراد متعلق به دو گروه کم و محدود کرده است. این امر به تشدید تعاملات درون گروهی و تضعیف تعاملات بین گروهی منجر گردیده و در تشدید قوم‌گرایی تأثیر گذاشته و در نتیجه، حساسیت بین فرهنگی را افزایش داده است.

نتایج حاضر بر وجود حساسیت بین فرهنگی در میان دو گروه کرد و ترک دلالت دارد؛ با این وصف، حساسیت بین فرهنگی در میان گروه کرد شدت بیشتری دارد. در میان مراحل حساسیت بین فرهنگی، گروه ترک در مرحله‌ی انطباق با تفاوت‌ها قرار دارد و پس از آن گرایش‌های افراد با توجه به رتبه‌شان، بیش‌تر به مرحله‌ی پذیرش تفاوت‌ها گرایش داشته در حالی که هم‌زمان با آن در مقابل برخی از تفاوت‌ها به دفاع از عقاید خود می‌پردازند. از طرف دیگر، گروه کرد در مرحله‌ی دفاع در مقابل تفاوت‌ها قرار داشته و پس از آن گرایش‌های افراد با توجه به رتبه‌شان در مرحله‌ی پذیرش تفاوت‌ها قرار دارد.

نتایج حاصله هم‌چنین نشان داد که فرضیه‌های مذکور در مورد دو گروه مورد بررسی مورد تأیید واقع شد. تأیید فرضیه‌های فوق مؤید دیدگاه‌های نظریه پردازان جامعه‌شناسی معاصر از جمله بنت،

هامر، وایسمن و فولر مبنی بر این که توسعه‌ی ارتباطات و آشنایی بین قومی منجر به کاهش میزان حساسیت بین فرهنگی و هم‌چنین موجب انتقال افراد از مرحله‌ی قوم‌مداری به مرحله‌ی نسبی‌گرایی می‌باشد. هم‌چنین تأیید فرضیه‌های مذکور مؤید نتایج حاصله از پژوهش عاملی و مولایی (۱۳۸۸) مبنی بر تأثیر توسعه‌ی ارتباطات بر میزان حساسیت بین فرهنگی در میان دو گروه اهل تسنن و تشیع در استان گلستان می‌باشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سطح و گستره ارتباطات عامل مهم و مؤثری در میزان حساسیت‌های بین فرهنگی است؛ بدین معنا که با افزایش و گسترش سطح ارتباطات، میزان حساسیت‌های بین فرهنگی کاهش می‌یابد و بالعکس.

بنابراین، بر اساس داده‌ها و نتایج به دست آمده می‌توان گفت که برای کاهش و تعدیل میزان حساسیت‌های بین فرهنگی، ارتقای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد متعلق به اجتماعات قومی مختلف و تدارک بسترهای مناسب جهت تعمیم و بسط میدان‌های تعاملاتی (تعاملات واقعی و مجازی) و تقویت آشنایی بین قومی لازم و ضروری است. مثلاً در کتاب‌های درسی و در رسانه‌های ارتباط جمعی قابلیت و ظرفیت‌های اقوام و مخرج مشترک‌های آنان معرفی شود. رسانه‌های جمعی از مهم‌ترین ابزارهای در دست دولت برای ایجاد همبستگی و وفاق اجتماعی و تقویت همگرایی ملی به شمار می‌آید. لذا تقویت اعتماد بین قومی از طریق پخش برنامه‌ها و سریال‌های وحدت‌آفرین، احترام گذاشتن به باورها، لهجه‌ها و گویش‌های اقوام مختلف ایران، محوریت صدا و سیما و شبکه‌های استانی در مناطق قوم‌نشین بر آشنایی با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقوام ضروری به نظر می‌رسد.

تأیید فرضیه‌ی رابطه‌ی ارتباطات بین فرهنگی با حساسیت بین فرهنگی با سطح معناداری بالا، مؤید دیدگاه میلتنون جی بنت (۱۹۹۸) مبنی بر نقش و جایگاه توسعه ارتباطات بویژه ارتباط رو در رو و چهره به چهره در کاهش میزان حساسیت بین فرهنگی (کاهش قوم‌مداری و افزایش نسبی‌گرایی فرهنگی) می‌باشد. هم‌چنین تأیید این فرضیه مؤید دیدگاه صاحب‌نظران تعامل‌گرایی نمادین می‌باشد. همچنان‌که مید معتقد بود که جدا از جامعه، هیچ‌گونه خود، خودآگاهی و ارتباطی نمی‌تواند وجود داشته‌باشد و جامعه را به‌عنوان ساختاری در نظر می‌گرفت که از طریق فراگرد رایج کنش‌های اجتماعی - ارتباطی و مبادلات اشخاصی که متقابلاً به یکدیگر گرایش دارند، پدید می‌آید. با توجه به

نظریات فوق می‌توان گفت که افراد متعلق به اجتماعات قومی تا زمانی که سطح ارتباطات و تعامل و رابطه‌ی چهره به چهره را افزایش ندهند، نمی‌توانند به آگاهی بین فرهنگی و بین قومی دست یابند. دو گروه مورد نظر نیز در این مورد، به لحاظ ارتباطات و رابطه‌ی چهره به چهره در سطح متوسط می‌باشند. با وجود این، گروه تُرک از نظر ارتباطات واقعی در سطح بالاتری قرار دارند.

تأیید فرضیه‌ی رابطه‌ی آشنایی بین قومی با حساسیت بین فرهنگی با سطح معناداری بالا نیز یکی از نکات مورد توجه می‌باشد. بدین معنا، که هر اندازه آشنایی بین قومی و آگاهی افراد نسبت به یکدیگر بیشتر شود میزان حساسیت بین فرهنگی و به تبع آن میزان قوم‌گرایی نیز کاهش و نسبی‌گرایی فرهنگی افزایش می‌یابد. همچنین تأیید فرضیه‌ی سوم مؤید نظریات جورج هربرت مید و رابرت ازرا پارک می‌باشد. آن‌جا که عدم ارتباط و آگاهی افراد نسبت به هم موجب عدم تکامل خود و خودآگاهی افراد می‌شود. یعنی افزایش آشنایی افراد نسبت به هم، همراه با افزایش ارتباطات موجب کاهش حساسیت بین فرهنگی افراد می‌شود. از طرف دیگر نظریه‌ی پارک نیز در مورد گروه‌های فوق صدق می‌کند؛ بدین معنا که هر اندازه درجه‌ی صمیمیت و احساس نزدیکی یا پذیرش افراد در سطح بالاتری باشد فاصله‌ی اجتماعی افراد کم‌تر و حساسیت بین فرهنگی نیز کم‌تر می‌شود. بر مبنای نتایج یادشده می‌توان گفت، برای کاهش هرچه بیشتر میزان حساسیت بین فرهنگی، بسترسازی در خور توجه جهت آشنایی بین قومی افراد و انتقال اطلاعات و آگاهی اقوام و فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر به صورت مثبت، لازم و ضروری می‌باشد.

منابع

- چلبی، مسعود (۱۳۷۸): هویت قومی و رابطه‌ی آن با هویت ملی، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۶): موج چهارم، ترجمه‌ی منصور گودرزی، تهران، نشر نی.
- دیلمنی، تیم (۱۳۸۷): نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران، نشر نی.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵): جهانی‌شدن؛ تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی، ترجمه‌ی کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵): کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.

سامووار، ل. ریچارد، ای پورتر و استفانی، ل (۱۳۷۹): ارتباط بین فرهنگ‌ها، ترجمه‌ی غلامرضا کیانی و سید اکبر میر حسینی، تهران، نشر باز.

شاقاسمی، احسان (۱۳۸۷): «حساسیت بین فرهنگی در بین قشایبی‌ها و لُرهای ممسنی»، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی فراسو، شماره‌ی (۱).

عاملی، سعیدرضا و مولایی، حمیده (۱۳۸۸): «دو جهانی شدن‌ها و حساسیت بین فرهنگی (مطالعه‌ی موردی روابط بین فرهنگی اهل تسنن و تشیع در استان گلستان)»، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی (۶).

عبداله‌ی، محمد (۱۳۸۳): «زنان و نهادهای مدنی»، فصلنامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران.
فکوهی، ناصر و آموسی، مجنون (۱۳۸۸): «هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره‌ی دوم.

قادرزاده، امید (۱۳۸۸): «هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق»، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

کوئن، بروس (۱۳۷۱): مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت.
مرکز آمار ایران (۱۳۸۷): سالنامه آماری استان کردستان، ناشر استانداری کردستان.

یوسفی، علی (۱۳۸۰): «روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال دوم.

یوسفی، علی (۱۳۸۵): انسجام اجتماعی در ایران (بخش نظری)، تهران، معاونت امور اجتماعی و شوراهای وزارت کشور.

Bennett, Janet M and Bennett, Milton J. (2001): *Developing Intercultural Sensitivity: An Integrative Approach to Global and Domestic Diversity*.

Bennett, Milton. (1998): *Basic Concepts of Intercultural Communication: Selected Readings*. Intercultural Press.

Bourjolly, Joretha N., Sands, Roberta G., Solomon, Phyllis, Stanhope, Victoria, Pernell-Arnold, Anita and Finley, Laurene. (2006): 'The Journey Toward Intercultural Sensitivity', *Journal of Ethnic And Cultural Diversity in Social Work*, 14: 3, 41 — 62.

- Elmeroth, E .(2009): Student attitudes towards diversity in Sweden', *Intercultural Education*, 20: 4, 333 — 344.
- Fuller, Thomas L.(2007): 'Study Abroad Experiences and Intercultural Sensitivity Among Graduate Theological Students: A Preliminary and Exploratory Investigation', *Christian Higher Education*, 6: 4, 321 — 332.
- Hammer, Mitchell. Bennett, Milton J and Wiseman, Richard .(2003): Measuring intercultural sensitivity:The intercultural development inventory. *International Journal of Intercultural Relations*,(27) 421–443.
- Kim, Min-Sun and Hubbard, Amy S. Ebesu .(2007): Intercultural Communication in the Global Village:How to Understand “The Other”’, *Journal of Intercultural Communication Research*, 36: 3, 223 — 235.
- Klak, T. & Martin, P. (2003): Do University-sponsored International Cultural Events Help Students to Appreciate “Difference”?”, in *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 27(4): 445-465.
- Maharaja, Gita Gopaul(2009): An “island” study abroad program and its impact on the intercultural sensitivity and cross-cultural adaptability of its participants: perspectives from a research intensive university. a dissertation submitted to the school of education duquesne university in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of education.
- Mead,G.H. 1934. *Mind,Self and Society*,Chicago:University of Chicago Press.
- Porterfield Bayles, P .(2009): Assessing the Intercultural Sensitivity of Elementary Teachers in Bilingual Schools in a Texas School District. a dissertation submitted to the faculty of the graduate school of the university of minnesota. in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of education.
- Rogers, Everett M and steinfatt, Thomas M .(1990): *Intercultural Communication*. Intercultural Press.
- Van Hook, Cheryl W .(2001): *Preparing Teachers for the DiverseClassroom: A Developmental Model of Intercultural Sensitivity*.
- Westrick, Jan M. and Yuen, Celeste Y. M.(2007): 'The intercultural sensitivity of secondary teachers in Hong Kong: a comparative study with implications for professional development', *Intercultural Education*, 18: 2, 129 —145.
- Yuen, Celeste Y. M. and Grossman, David L.(2009): The intercultural sensitivity of student teachers in three cities', *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 39: 3, 349 — 365.